

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۰/۰۱

احمد فواد ارسلا

## نقش ایران در بی‌ثباتی افغانستان: فساد، قوم‌گرایی، و پیوندهای میان شخصیت‌هایی چون لطیف پدram و سید حسن نصرالله

تحلیل ذیل را قبلاً به انگلیسی نشر نموده ام

<https://www.linkedin.com/pulse/role-iran-destabilization-afghanistan-corruption-ties-ahmad-arsala-lquye/?trackingId=%2FOIKs6mnQb%2BrBb%2BNieChQ%3D%3D>

ترجمه دری در ذیل تقدیم است.



حسن نصرالله



لطیف پدram

پوستی که اخیراً توسط لطیف پدram، از رهبران سابق کمونیست و اکنون یک رهبر قوم‌گرا در افغانستان، در سیستم ارتباط اجتماعی X منتشر شده، به فساد عمیقی که دولت سابق افغانستان را در بر گرفته بود، اشاره می‌کند. پیام پدram، که در آن به سوگواری از مرگ سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، می‌پردازد، فرصتی مهم برای بررسی تأثیر ایران و سوءاستفاده از بودجه‌های امریکا است که به بی‌ثباتی افغانستان کمک کرده است.

متن پوست به این شرح است: «با نهایت تأسف و اندوه از شهادت سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، به دلیل حمله هوایی رژیم اشغالگر صهیونیستی آگاه شدم. این مجاهد فداکار و مبارز خستگی‌ناپذیر که با قاطعیت در برابر امپریالیسم و استعمار ایستادگی کرد، میراثی از افتخار برای مردم لبنان و فلسطین به جا گذاشته است. بدون شک، مسیر این مبارز بزرگ ادامه خواهد یافت و بسیاری متعهد به پیروی از گام‌های او هستند. تسلیت خالصانه خود را به همه مبارزان و مجاهدینی که این مرد بزرگ را عزیز می‌داشتند، تقدیم می‌کنم.»

سخنان پدram نشان از تحسین او نسبت به حسن نصرالله و حزب‌الله دارد، گروهی که روابط وسیعی با ایران دارد. اما احساسات او وسیعتر و بالاتر از همدردی ساده است – آنها نمایانگر روابطی هستند که چهره‌های قدرتمند افغان مانند پدram با سازمان‌های تروریستی تحت حمایت ایران حفظ کرده‌اند. نفوذ ایران در منطقه، بخصوص از طریق حمایت از حزب‌الله و دخالت در صحنه سیاسی افغانستان، بخشی از یک ارتباطات بزرگتر فساد، قوم‌گرایی و دخالت‌های خارجی است که سال‌ها حاکمیت افغانستان را تضعیف کرده است.

### لطیف پدram: نمونه‌ای از فساد و قوم‌گرایی

لطیف پدram چهره‌ای شناخته‌شده در سیاست افغانستان است. او که زمانی خود را کمونیست می‌خواند، در نهایت تحت پرچم دموکراسی به یک رهبر قوم‌گرا تبدیل شد. برای بیش از ۲۰ سال، او از کمک‌های مالی امریکا که به‌عنوان

د پاپو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنيزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

بازسازی ملی به افغانستان هدایت می‌شد، بهرمنند شد. اما به جای استفاده از این کمک‌های مالی برای حمایت از موسسات دموکراتیک یا ترویج وحدت ملی، پدram از آنها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرد - همسو شدن با بازیگران خارجی مانند ایران، در حالی که ایدئولوژی‌های قوم‌گرایی و تفرقه‌افکنانه را ترویج می‌کرد. پوست اخیر او که در آن به سوگواری از مرگ نصرالله می‌پردازد، نمونه از این است که چگونه رهبران افغان با ارتباطات با سازمان‌های تروریستی توانستند از موقعیت‌های خود برای منافع شخصی و سیاسی سوءاستفاده کنند. روابط پدram با ایران، که مدت‌ها از حزب‌الله به عنوان ابزاری در نبردهای قدرت منطقه‌ای خود استفاده کرده است، نشان می‌دهد که چگونه نخبگان فاسد افغانستان به جای اصلاحات دموکراتیک واقعی، منافع خارجی را به اولویت تبدیل کردند.

همدردی پدram با نصرالله، رهبر حزب‌الله، تأکیدی بر نفوذ رژیم ایران بر شخصیت‌های سیاسی افغانستان است. حزب‌الله به خاطر نقش خود در گسترش ایدئولوژی ایران و بی‌ثبات کردن مناطق از طریق جنگ‌های نیابتی، بی‌خصوص در لبنان و سوریه، بدنام است. با ارتباط برقرار کردن با نصرالله، پدram حمایت ضمنی خود را از اهداف بزرگتر ایران و استراتژی آن در استفاده از گروه‌های افراطی برای تضعیف دولت‌های همسایه آشکار می‌کند.

### نقش ایران در بی‌ثباتی افغانستان

دخالت‌های ایران در افغانستان تاریخچه‌ای طولانی و پیچیده دارد. طی سال‌ها، ایران از نفوذ سیاسی، مالی و نظامی برای پرورش روابط با نخبگان افغان، جنگ‌سالاران و رهبران قوم‌گرا استفاده کرده است. حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حزب‌الله به افرادی همچون پدram نیز گسترش یافته است، کسانی که به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای گسترده‌تر ایران تلقی می‌شوند.

در حالی که ایران خود را به‌عنوان یک شریک در بازسازی افغانستان معرفی می‌کرد، همزمان این عملیات را با حمایت از جناح‌هایی که موجب تشدید اختلافات داخلی می‌شدند، تضعیف کرد. به جای ترویج یک افغانستان متحد و دموکراتیک، تهران به‌طور مداوم برای بی‌ثبات کردن این کشور از طریق حمایت از قوم‌گرایی و افراط‌گرایی تلاش کرده است.

بودجه‌هایی که توسط آمریکا به افغانستان سرازیر شد و هدف آن ساخت تهداب‌ها، حمایت از تعلیم و تقویت حاکمیت دولتی بود، اغلب توسط مقامات فاسدی که ارتباط نزدیکی با ایران داشتند، به یغما رفت. افرادی مانند پدram که از هر دو سو بهره می‌بردند - از کمک‌های غربی سود می‌بردند و در عین حال به‌طور مخفیانه با ایران همسو بودند - نماد شکست طبقه سیاسی افغانستان در ایجاد حاکمیت پایدار هستند.

حمایت ایران در سال‌های اخیر موجودیت آمریکا در افغانستان از طالبان، علی‌رغم دشمنی قبلی با این گروه، نشان می‌دهد که تهران تا چه حد آماده است تا برای پیشبرد اهداف خود از سیاست افغانستان سوءاستفاده کند. ایران از طریق حمایت مالی، تامین مخفیانه سلاح و ائتلاف‌های پنهانی، اطمینان حاصل کرده است که افغانستان همچنان بی‌ثبات باقی بماند و نتواند به‌طور کامل با قدرت‌های غربی همونا شود یا به عنوان یک بازیگر مستقل منطقه‌ای ظهور کند.

### حزب‌الله و نفوذ ایران: نصرالله به‌عنوان نمونه

سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، مدت‌ها یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای ایران بوده است. حزب‌الله که هم به‌عنوان یک حزب سیاسی و هم یک سازمان نظامی در لبنان فعالیت می‌کند، نقش اساسی در گسترش نفوذ ایران در سراسر شرق میانه ایفا کرده است. با حمایت از نصرالله و حزب‌الله، ایران توانسته است جای پای استراتژیک خود را در درتصادمات کلیدی منطقه‌ای، از جنگ داخلی سوریه تا تصادمات و جنگ‌های اسرائیل و لبنان حفظ کند.

مرگ نصرالله به‌عنوان ضربه‌ای جدی به اهداف ایران تلقی خواهد شد، زیرا او به‌عنوان نمونه از مقاومت در برابر قدرت‌های غربی و یک بازیگر کلیدی در استراتژی جنگ نامتقارن ایران عمل کرده است. این واقعیت که پدram، یک سیاستمدار برجسته افغان، به‌صورت واضح برای مرگ نصرالله سوگواری می‌کند، معنادار است. این نه تنها همراهی ایدئولوژیک را آشکار می‌کند، بلکه نشان‌دهنده یک اتحاد جیوپلیتیکی گسترده‌تر بین ایران و شخصیت‌های تأثیرگذار افغان است.

با حمایت از نصرالله، پدram خود را با روایت ضدغربی ایران همسو می‌کند و پیوندهای شخصی و سیاسی خود با رژیم را برجسته می‌کند که به‌طور مستمر برای بی‌ثبات کردن افغانستان و منطقه گسترده‌تر کار کرده است. تجلیل از افرادی مانند نصرالله در محافل سیاسی افغانستان تنها به‌خاطر تحسین شخصی نیست - بلکه بخشی از یک تلاش محاسبه‌شده برای حفظ نفوذ ایران در افغانستان است، حتی در حالی که این کشور با مشکلات داخلی خود دست و پنجه نرم می‌کند.

### نتیجه‌گیری: تضعیف آینده افغانستان توسط ایران

نقش ایران در بی‌ثباتی افغانستان چندگانه است و شامل دستکاری سیاسی، فساد مالی و ترویج گروه‌های افراطی می‌شود. افرادی مانند لطیف پدram که از بودجه‌های امریکا بهره‌مند شده‌اند، در حالی که با سازمان‌های تروریستی تحت حمایت ایران مانند حزب‌الله ارتباط برقرار کرده‌اند، نمونه‌های برجسته‌ای از چگونگی تضعیف آینده ثبات افغانستان توسط فساد و نفوذ خارجی هستند.

امریکا، در حالی که سرمایه‌گذاری زیادی در بازسازی افغانستان انجام داد، نتوانست به‌درستی درک کند که تا چه اندازه منابع مالی آن به سوی حمایت از افرادی منحرف می‌شود که در واقع با دولت‌های حامی ترور همسو بودند. با توانمندسازی سیاستمداران فاسد برای حفظ قدرت، رهبری افغانستان – با حمایت ایران – یک محیط سیاسی زهرآلود ایجاد کرد که در آن قوم‌گرایی و وابستگی‌های خارجی بر وحدت ملی و اصلاحات دموکراتیک اولویت یافت.

همان‌طور که افغانستان با فصل جدیدی از تاریخ خود روبه‌رو است، ضروری است که نقش بازیگران خارجی، بخصوص ایران، در شکل‌دهی به آینده سیاسی آن شناخته شود. نفوذ مداوم افرادی مانند پدram و تجلیل از افرادی مانند نصرالله نشان می‌دهد که مبارزه برای آینده افغانستان نه تنها یک نبرد داخلی است – بلکه یک میدان جنگ برای قدرت‌های منطقه‌ای رقیب است که به دنبال بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های این کشور برای منافع خود هستند.

آرشیف: مطالب نشر شده محترم احمد فواد ارسلان